

کارآفرینی و کسب و کار در ایران

پیچ در پیچ

به رغم برنامه های توسعه و همچنین چشم انداز ۲۰ ساله، هنوز مهمترین ابزار هدایت جامعه به رشد پایدار و متناسب با شأن نظام فراهم نشده است. کارآفرینی راهکار اصلی نیل به اهداف توسعه است.

به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، شاخص اخذ گواهی تأسیس یک کارگاه در محیط کسب و کار ایران در سال ۲۰۰۷ رتبه ۱۵۸ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده بود که متأسفانه این رقم در سال ۲۰۰۸ با تنزل ۶ پله ای در مکان ۱۶۴ جهان قرار گرفت. همچنین، تعداد مراحل که یک کارآفرین باید برای تأسیس کسب و کار خود طی کند، طی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ بدون تغییر مانده و کماکان یک کارآفرین باید ۱۹ مرحله را برای تأسیس یک شرکت پشت سر بگذارد. با عنایت به مسأله فوق، به نظر می رسد روند طولانی مدت اخذ گواهینامه و مجوزهای مربوطه برای تأسیس یک شرکت، در به تأخیر افتادن و سست شدن گام های یک کارآفرین در کشور بی تأثیر نبوده است. این در حالی است که کارآفرینی در ایران از مواردی است که نیازمند حمایت در تمام سطوح کسب و کار و اجتماع می باشد.

یکی از معضلاتی که کارآفرین ایرانی با آن روبه رو است، تبعات حاصل از رشد مؤسسه و یا شرکت تولیدی خواهد بود. متأسفانه بسیاری از سازمان های ذیربط و حتی سازمان هایی که هنگام شکل گیری بنگاه، از موانع به بار نشستن ایده کارآفرین بودند، پس از به موفقیت رسیدن کارآفرین - به دنبال کسب منافع - انتظارات و درخواست هایی غیرعقلانی از کارآفرین دارند. از آنجا که تمام ایده های کارآفرین از سوی بخش خصوصی نشأت می گیرد و اکثر قریب به اتفاق آنها پشتوانه مالی مناسب جهت تأمین پروژه های تولیدی را ندارند، انتظارات مالیاتی از مهمترین موانع و در حقیقت سد عظیمی است که مانع پیشرفت کارآفرین می باشد.

انتظار می رود دولت با وضع قوانین مالیاتی مناسب، سبب ترغیب بخش خصوصی برای کارآفرینی شود. به علاوه، انتفاعی و یا غیرانتفاعی بودن یک بنگاه کسب و کار نیز مطرح است. بسیاری از کارآفرینان، با هدفی غیرانتفاعی مؤسسه خود را بنا می گذارند، حال آن که انتظارات مالیاتی و وضع مالیات بر کارآفرینان، هزینه های حاشیه ای این قبیل مؤسسات را بالا برده و عاملی بازدارنده در برابر تکامل این شرکت ها محسوب می گردد که در نهایت به ناتوانی این مؤسسات در عمل به وظیفه شان که همان پیشبرد علم و ارتقای فرهنگ در جامعه است، منجر خواهد شد. نبود مراکز پذیرش ریسک سرمایه گذاری (Capital Venture) و همچنین

صورت انواع بیمه های تجاری، مشوق تشکیل این گروه ها بوده اند. بر این اساس، در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ رشد تأسیس شرکت های ریسک پذیر در ایالات متحد بیش از ۱۰ درصد بوده است و عمق نگرانی به این مطلب بر می گردد که ایران هنوز فاقد چنین شرکت هایی برای ارتقای کارآفرینی در کشور است. اعطای مشوق های مالیاتی از سوی دولت، راه دیگر ترغیب کارآفرینان برای پیگیری طرح های کارآفرینی می باشد. تشکیل کانون کارگروه های منسجم زوج های کارآفرین - که امروزه نزدیک به ۴۰ درصد از بنگاه های کارآفرین را زوج های کارآفرین تشکیل می دهند - در حیطه نظارتی همانند اتحادیه های کارآفرینی، گامی دیگر برای جلب نظر کارآفرینان می باشد.

حمایت از جوانان، با توجه به میانگین سنی ۲۷ سال در کشور و البته نرخ ۱۰/۶ درصدی بیکاری جامعه می تواند تیری باشد برای نشانه گرفتن دو هدف کارآفرینی و کاهش بیکاری. امید است مسئولان محترم کشور با عنایت به مقوله پراهمیت کارآفرینی، زمینه پیشرفت و رشد متعالی را در کشور فراهم سازند تا در راستای پیاده سازی مناسب و رو به رشد خصوصی سازی در کشور، بتوان جایگاه اول منطقه را در راستای تحقق سند چشم انداز ۱۴۰۴ کسب نماییم. ■

اساسی مورد تصریح بوده است. در این اصل، تأمین شرایط و امکانات کار در جهت رسیدن به خودکفایی، از طریق تعاونی و به صورت وام های بدون بهره برای کسانی که توانایی انجام کار و ایجاد شغل را داشته اما ابزار لازم را ندارند، در نظر گرفته شده است. کشوری که قرار است سرنوشت خود را به دستان پرتوان منابع انسانی اش بسپارد، باید فکری برای عقب نماندن از دنیای در حال رشد بکند. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، رتبه سهولت در ایجاد کسب و کار در کشورمان در سال ۲۰۰۸، چهار پله سقوط داشته و در میان ۱۷۸ کشور بررسی شده، به رتبه ۱۳۵ رسیده است. همچنین جایگاه کشورمان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، در قسمت اخذ مجوز برای ایجاد یک شرکت پایین ترین رتبه یعنی رتبه هفدهم را داشته است.

سیاست های مؤثر در جهت کارآفرینی

بر اساس بررسی های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، مهمترین سیاست گذاری هایی که در اکثر کشورهای دنیا در جهت حمایت از کارآفرین و کارآفرینی صورت گرفته، مربوط به تأسیس شرکت های ریسک پذیر می باشد، به طوری که بیش از ۸۰ درصد از کشورهای دنیا، سازمانی به نام «ثبت شرکت های ریسک پذیر» تأسیس کرده اند که به

موانع کارآفرینی در کشور و راهکارهای پیشنهادی

موانع	راهکارهای پیشنهادی
توجه صرف به توجیه پذیری طرح های خام و روی کاغذ، بدون در نظر گرفتن امکانات مورد نیاز کارآفرین	تفکر و تعقل بلندمدت در مورد طرح ها و ایده های ارائه شده از سوی کارآفرین و بررسی طرح متناسب با امکانات در اختیار کارآفرین
مراحل زیاد و سازمان های متعدد تصمیم گیر برای تأیید و اجرای یک طرح که فرایند کارآفرینی را پرپیچ و خم نموده است	تأسیس سازمانی مستقل برای سامان دادن اوضاع نابسامان کارآفرینی در کشور و همچنین تغییر نام وزارت تعاون به وزارت تعاون و کارآفرینی
عدم توجه به هرم سنی جوان و نقش و توانایی زنان و زوج های کارآفرین همانند کشورهای توسعه یافته در کشور و بسته بودن راه و فضای کارآفرینی برای ورود این قشر به عرصه کارآفرینی و اشتغال زایی	توجه به جوانان و تسهیل راه های ورود آنان به عرصه مولد کارآفرینی - اعم از مالی و اجتماعی - از آنها برای جلوگیری از مهاجرت نیروی خلاق و جوان، تأسیس کارگروه های مجرا زیر نظر وزارت تعاون و کارآفرینی برای حمایت و توجه ویژه به نقش زنان و زوج های کارآفرین در جهت پیشبرد کارآفرینی در کشور
مشکلات نظام مالیاتی، مالیات های غیر فرایگر، نرخ های غیر معقول و حضور برخی افراد فاسد در ادارات مالیاتی	وضع مالیات های مناسب و البته تشویقی برای کارآفرین و حل معضلات مربوط به کارآفرین از طریق مراجع قضایی به واسطه تصویب قانون های لازم الاجرا
عدم وجود تشکلهای صنفی و اتحادیه های مجزا برای تصمیم گیری در حیطه فعالیت صنفی خود در زمینه کارآفرینی	به کارگیری و تأسیس اتحادیه های صنفی و تشکلهای کارآفرینی در حوزه هر رشته و فعالیت در جهت سامان دهی اوضاع کارآفرینی در کشور
نبود نظام آموزشی و پرورشی متناسب با کارآفرینی در جهت پرورش استعداد های کارآفرین در کشور	ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش برای کشف استعداد های کارآفرین در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی و تمرکز بر سرمایه گذاری جهت به بار نشستن آنها
طولانی بودن بیش از حد مراحل اخذ کسب مجوز برای تأسیس شرکت از سوی کارآفرین که سبب منصرف شدن کارآفرین از اجرای ایده خود می شود	تسهیل در مراحل کسب مجوز و کاهش مراحل بروکراتیک و اداری تأسیس شرکت های تولیدی
عدم حمایت های مالی از کارآفرینان در ابتدای امر و دلسرد شدن آنها از به بار نشستن ایده های خود	تخصیص بودجه سالانه برای طرح ها و ایده های کارآفرین از سوی دولت و تصویب آن در مجلس و تصویب قانونی جهت حمایت مالی قوی تر از کارآفرینان و ایده های آنان
عدم ارائه اطلاعات صحیح، به روز و کافی برای کارآفرینان جهت تعامل آنها با بازارهای بین المللی و هدف	تهیه و تشکیل زیرگروهی مبنی بر تحلیل بازار از سوی دولت جهت ارائه اطلاعات شفاف و درست بر حسب تقاضای بین المللی و داخلی به کارآفرین
کمبود مراکز رشد و پارک های فن آوری و سرمایه های اندک برای شروع کار بنگاه های کارآفرین در ابتدای امر و نبود سازمان های تأمین مالی جداگانه به منظور تأمین مالی ایده های کارآفرین به منظور بازدهی آنها در بلندمدت	تأسیس مؤسسات نظیر مؤسسات ریسک پذیر و فرشتگان کسب و کار، تأمین مالی کارآفرینان و در نتیجه افزایش ارزش سهام آنان در بلندمدت
بی اعتمادی به کارآفرین و بخش خصوصی و در نتیجه بلا استفاده ماندن ایده های مطرح شده از سوی کارآفرین	ورود کارآفرینان در صحنه های تصمیم گیری اقتصادی، ایجاد کمیسیون کارآفرینان در مجلس، ایجاد فضای احترام و معرفی کارآفرینی و تشویق حضور صاحبان سرمایه در عرصه اقتصاد
درخواست وثیقه های سنگین از سوی بانک های عامل جهت پرداخت تسهیلات سرمایه ای	تسهیل در ارائه تسهیلات بانکی و برقراری تناسب میان اقساط و سطح تولید (سود و زیان بنگاه)
عدم مხოوانی سیاست های وزارت کار و بانک مرکزی در جهت حمایت و هموار سازی فضای کارآفرینی در کشور	ایجاد کمیته های مشترک کارآفرینی در سطح وزرا و رییس بانک مرکزی

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».

بیشتر در مقوله کارآفرینی که به طور حتم راهگشای اقتصاد پیچ در پیچ ما خواهد بود، می توان با مدیریتی قوی و یکپارچه، شرایط رشد و توسعه ای را که مدنظر کشورمان است، فراهم کرد. ■

اختلافات اخیر بانک مرکزی و وزارت کار، بسیاری از واحدهای اقتصادی کشور با بحران نقدینگی مواجه شدند که این موضوع فضای بیمار حاکم بر اقتصاد ایران را با مشکل مواجه ساخته است. با تفکر و ژرف نگری

کارآفرینی و جوان ایرانی

کارآفرینان بی ادعا

با توجه به جوان بودن غالب جمعیت کشور و درصد بالای بیکاری در میان این قشر از جامعه، نیاز به کارآفرینی بر مبنای جوان مداری، بیش از پیش احساس می شود.

طبق آخرین سرشماری انجام شده در سال ۸۵ میانگین سنی جمعیت کشورمان ۲۷ سال بوده که این رقم نشان دهنده پتانسیل بسیار بالای نیروی کار جوان در کشور است و با توجه به نرخ ۱۸/۴ درصدی بیکاری جوانان، منابع کافی برای ایجاد حرکت های تولیدمدار و اشتغال زادر کشور مهیا است. در حال حاضر که یکی از بزرگترین دردها و معضلات جامعه ایران، پدیده مهاجرت نیروهای مستعد و البته جوان کشور به کشورهای صنعتی پیشرفته دنیا است، درک صحیح از مفهوم کارآفرینی و پرداختن به این مقوله، می تواند مانع از مهاجرت سرمایه های آتی کشور باشد. نیروی کار، زمانی تصمیم به مهاجرت می گیرد که شرایط را برای تحقیق، پژوهش، ابداع، خلاقیت و آفرینش نامساعد ببیند و تنگناهای بازار کار، او را تحت فشار قرار دهد. یکی از عوامل تشدیدکننده این معضل، فقدان آموزش در مقاطع متوسطه و حتی سطوح عالی تحصیلی است. نظام آموزش سنتی فعلی نمی تواند جوابگوی ایده های نوآور و خلاقانه باشد. تحول در نظام آموزش و پرورش و تدریس دروس کاربردی تر برای پروراندن ذهن های آماده و خلاق، اولین قدم در راستای پرورش کارآفرینان جوان می باشد. بنابر آخرین آمارهای جهانی، ایران فقط ۱/۵ درصد از تولید علم جهان را به عهده دارد. از سوی دیگر، نگاهی به آمارهای جهانی نشان می دهد که میزان سرمایه گذاری در امر آموزش کشور، از بسیاری از کشورهای قاره آفریقا کمتر است. خوشبختانه در سال های اخیر،

مؤسساتی چون فرشتگان کسب و کار (Business Angels) - که به تأمین مالی کارآفرینان در ابتدای امر پرداخته و سبب رشد قیمت و بازدهی سهام کارآفرینان در بلندمدت می شوند - از دیگر موانعی است که کارآفرین ایرانی با آن مواجه است. به همین دلیل، کارآفرین مجبور است برای تأمین مالی ایده اش به بانک های سرمایه گذاری و تجاری مراجعه کند که البته جواب آن هم از قبل قابل پیش بینی است. عدم توانایی در ارایه وثیقه و نداشتن پشتوانه مالی قوی - که اکثر قریب به اتفاق کارآفرینان با آن روبه رو هستند - سبب برگشت کارآفرین با دستانی خالی از صحنه تولید و اشتغال است. در تأیید صحبت های فوق می توان به ماده ۲ از فصل دوم دستورالعمل اجرایی حمایت از کارآفرینان در راه اندازی کسب و کارهای فن آورانه اشاره کرد که بیان داشته: "به منظور حمایت از بنگاه های کارآفرین مستقر و غیرمستقر مورد حمایت مراکز رشد و پارک های علم و فن آوری، به طرح های پیشنهادی آنان که دارای توجیهات فنی و اقتصادی تأیید شده توسط مراکز رشد و پارک های می باشند، به ازای هر واحد فن آور، تا سقف یک میلیارد ریال از محل منابع داخلی بانک های عامل تسهیلات پرداخت گردد."

البته جای خوشبختی است که در کشور، به کارآفرین و حمایت از او تا حدی توجه شده و در قوانین جاری، دستورالعمل هایی نیز در این زمینه وضع شده است، اما با توجه به همین قانون ساده، موضوع قابل ذکر آن است که طرح مذکور باید توجیه اقتصادی داشته باشد و در عین حال به تأیید مراکز رشد - که همان مراکز ریسک پذیر سرمایه گذاری و البته بدون تأمین سرمایه طرح هستند - برسد. همان طور که مطرح شد، بسیاری از طرح های کارآفرینی و حتی مؤسساتی که اکنون در کشورمان در حال فعالیت هستند، انگیزه کسب سود نداشته و ندارند و برای ترویج فرهنگ، هنر و علم شکل گرفته اند و به طور حتم، نگرش اقتصادی به آنها در تأییدیه طرح اولیه، کارآفرین را دچار مشکل خواهد ساخت. حمایت ۳ میلیارد دلاری ایالات متحد از هزار کارآفرین غیرانتفاعی (خیریه)، نمونه ای قابل ذکر و البته خیره کننده از این مورد می باشد. البته این که طرح باید توجیه اقتصادی داشته باشد غیرقابل انکار است، اما بدون برقراری و در اختیار گذاشتن امکانات اولیه برای آغاز فعالیت بنگاه تولیدی، قضاوت در مورد یک طرح، عاملی منفی در مسیر پیشبرد و رشد تولید در جامعه خواهد بود.

از سوی دیگر، سقف تأمین مالی از سوی منابع داخلی بانک های عامل، اشکال دیگری است که کارآفرین ایرانی را تهدید می کند. اگر کارآفرین از خوان اول توجیه اقتصادی طرح خود عبور کند، گرفتار بانک های عامل خواهد شد که با ارایه وثیقه های سنگین را طلب خواهند کرد و یا کمبود منابع داخلی بانک را سندی بر عدم پرداخت تسهیلات کارآفرینی می دانند. متأسفانه سیاست های دستوری دولت نیز مزید بر علت شده اند، به گونه ای که در جریان

